

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

آزاد ل.

۱۶ نومبر ۲۰۱۵

در دفاع از "هاشمیان" بدون مقدمه

قبل از پرداختن و تشریح مسایل به ارتباط دفاع از موجود کثیفی مثل "هاشمیان" باید خدمت خوانندگان ارجمند عرض بدارم:

مخلص تان زاده دامن رنج، فقر، بد بختی و آلام اجتماعی کشورم بوده و کمتر در عمرم خندیده ام و به زعم و مفکوره آدم های کثیفی مثل (خرفیلسوف "هاشمیان" و محقق) من هم از آن جمله آدم های محروم جامعه بوده و هستم که در آسمان ستاره و در زمین سایه ندارم، اما من نه ازین رنج می برم و نه باعث افسردگی و پریشانی افکارم گردیده است بلکه بدون توجه به این که دیگران در باره ام چه فکر می کنند؟ چه می گویند؟ چه می نویسند؟ به این در به دری، بی خانمانی، بی سامانی، فقر، بد بختی و محرومیت از طفولیت عادت نموده و سال ها است خوشحال بوده و هستم و بر خود می بالم!! چرا؟؟ برای این که: یک سر حد، یک حدود، بین خود و آن دیگران مثل آقا زاده ها، شرف باخته ها، خائنان، طفیلی ها، مرتجعان، چاپلوسها، وطن فروشها، نوکران استعمار، دین فروشان، بی وجدانان، بی شرفان و... می بینم و افتخار دارم به این که چنین هستم!!!! از فقر اقتصادی ام خجالت نمی کشم چون از همین طایفه محرومان اقتصادی جامعه بوده و وابسته به همین طبقه می باشم یعنی طبقه رنجبر و کارگر!! یعنی من همانم که روشنفکران چپی و انقلابی در باره اش سخن می رانند، بلی من همان کارگر و رنجبر و همان کارگر صنعتی پشت ماشین بوده ام درین چند سال اخیر فقط دو بار فقط دو بار واقعاً دو بار از ته دل خندیدم آنهم از خواندن دو نوشته استاد و مبارز گرانمایه (خالق داد پغمانی) یکی آن که به ارتباط این که می خواست تخلصی برای خودش انتخاب کند و دوم این که از نوشتن (خر فیلسوف) واقعاً خندیدم، این که اوشان طنز نویس ماهر و استاد هستند شکی نیست اما این طنز نویسی هم هنری است که هر کسی چنین توانائی را ندارد. وقتی یک مبارز که سالها در مقابل نیرو های اشغالگر مسلحانه تا پای جان با داشتن افکار آزادیخواهی و نجات دهنده انسانی از قید و بند اسارت در مقابل دشمن تا دندان مسلح و نمایندگان و چوکره های کرسی نشین شان بر اریکه های قدرت دولتی در یک چوکات اصولی و سازمانی انقلابی جنگیده است خواندن طنز هایش کیفیت دیگری دارد تا خواندن طنزی از نوشته های (عزیز نسین) و امثال شان.

بیشتر از تمام طنز های آن محترم از (خر فیلسوف) نوشتن شان خوشم آمد برای این که چنین (لقبی) واقعاً شایسته یک چنان موجودی کثیفی مثل "هاشمیان" با همان صفاتی که در چندین نوشته ای از دوستان بدون طنز به شکل جدی از

مدتها به اینطرف در این پو تال آزادگان با اسناد و مدارک به نشر رسیده است تطابق کامل داشته و بیانگر تمام سرشت چنین یک موجود کثیف می باشد.

در فرهنگ افغانی در گذشته ها در کشور خود ما آن زمانهایی که غیرت و همت افغانی، مردانگی به مفهوم جوانمردی، انساندوستی، عیاری، شرف، انسانیت وجود داشت کلمات و جملاتی داشتیم که معرف کامل یک انسان بود، مثلاً از شخص پرسیده می شد که فلان شخص چه نوع آدم است؟ در جواب می گفت: چو تار است، طرف با شنیدن همین یک کلمه می توانست تمام خصوصیات آن شخص را بفهمد، و یا جواب دهنده بگوید که: دیوث است، یا ممسک، یا خرابات، یا بی پدر، یا کاکه، و ... گفتن همین یک و یا دو کلمه کفایت می کرد که سوال کننده با تمام معنی به شناخت شخص مورد نظر آگاهی یابد.

اطلاق کلمه ترکیبی (خر فیلسوف) به شخص خرفت و جاهلی مانند "هاشمیان" به علاوه آن که من را خندانند بیانگر تمام خصلت ها، عادات و عناصر تشکیل دهنده و ترکیبی وجود یک موجود فاقد احساس انسانی و اخلاق اجتماعی به نام "هاشمیان" بود و من به علاوه این که به دانش و فهم استاد (خالق داد پغمانی) مثل همیشه تعظیم نمودم نتوانستم با شناختی که ازین آدم پر رو و شیطان دارم از خنده های مسلسل خودم با مجسم نمودن قیافه "هاشمیان" خود داری نمایم؛ اما در پهلوی این همه خنده هایم متأثر هم شدم، چرا؟ برای این که: در چنین شرایطی که بشریت در کره مریخ دنبال آب می گردد، دنبال اختراعات جدید اند و در جهت دیگر جنبش های انقلابی خلق های سراسر جهان در راه محو و نابودی استعمار و استثمار فرد از فرد با عملیات انقلابی در چوکات بندی های زیر اندیشه های دموکراتیک نوین به مبارزه برخاسته اند، نیرو های انسانی طبقات محروم برای نابودی زورگویان استعماری در سراسر جهان در حال شکل گیری و یا هم بر خورد های مسلحانه هستند و در شرایطی که استعمار جهانخوار از تشکل و تجمع نیرو های انسانی پشتش به لرزه در آمده و سعی دارد تا با انواع مختلف تزویر، فریب و نیرنگ، کشتار و ... مانع جنبش های انقلابی مردم شود ما خر فیلسوفانی داریم و (خر فیلسوفان) ما گاو مانند خود را بی آبرو می سازند؟ و به شرفباختگی خود افتخار هم می کنند؟؟ تفاوت ها زجر دهنده است؟؟ برای این که از موضوع دور نشویم می رویم روی اصل موضوع.

خوب این که آیا **خر فیلسوف** است؟ و یا می تواند فیلسوف باشد؟ و یا هم فیلسوف می تواند خر باشد؟، جای شکی نیست، چون قبل از اسمش (خر) گذاشته شده است و اگر عجلتاً قبول کنیم که خر می تواند فیلسوف باشد و فیلسوف هم می تواند خر!! یعنی (خر فیلسوف) مثلاً "هاشمیان" یعنی **هم خر هم فیلسوف**!! پس باید توجه داشت که دنباله روان و چکچکی های او چقدر خرت تر اند؟؟ اگر فعلاً با مدارک و شواهد عینی قبول کنیم که "هاشمیان" (خر فیلسوف) تشریف دارند برویم سراغ پیروان، منشی ها، دنباله روان، جمبوری ها، چکچکی ها، و بشقاب چینه های او یعنی نوکران نوکر. اگر توهین به مقام و منزلت خر نباشد، "هاشمیان" که (خر فیلسوف) شد آقایان دیگری مثل ("عبدالقیس" صغیر، درحال کبیر شدن)، (کلمه "عبدال" را برای این جلو اسم قیس جان گذاشتم که مدتها قبل یکی از داکتران اسلامی ما به کسانی که اسم شان با "عبدال" شروع نمی شد صحبت نمی کردند و سوال شان را جواب نمی دادند) و "نبیل عزیزی" (این هم اسم اسلامی نیست باید "عبدالنبیل" خطابش نمود) باید کره خر باشند چون پیرو خر استند؟؟ (یعنی پیرو هاشمیان) اگر باور ندارید لطفاً به نوشته آخرین شان مراجعه نمایید، که چطور آن نوشته ها از سویه یک خر هم پائینتر است، همان (آقیانوس تا لب جوی) و بعدش هم یکی دیگری پیدا شده که بادنجان دور بشقیاب خر می چنبد به نام "قیس کبیر". مسلماً این شخص باید خر تر از همه خران باشد، چون تا جایی که دیده می شود این آقا سابقه **پرچمی گری** داشته و به آن افتخار هم می کند، با وجودی که از نگاه علم و دانش صغیر تر از همه خران در حال کبیر شدن است می

خواهد توسط خصیه مال طالبان (هاشمیان) "کبیر" شود فرقی ندارد به هر شکلی که باشد، فقط و حتما باید کبیر شود ؟؟؟؟؟ از نوشته های مستند استادان و دانشمندان گرامی درین پورتال گرانمایه برداشت نمودم که این شخص (عبدالقیس) پر چمی الاصل بوده و پرچمی ها به قول ارجمند انقلابی نترس (میرویس ودان محمودی) (**زنا زاده های تاریخ اند**) همه می دانند سیاهی تاریخی پر چمی ها و عملکرد های شان را !! و نوشتن درین باره زیادی خواهد بود.

این آقای (قیس کبیر یا صغیر) یا هر گوهی که هست یکی از دنباله روان "هاشمیان" همان (خر فیلسوف) می باشد، این (خر فیلسوف) طالب پرست و خصیه مال "ملا عمر" بی وجدان پست ، نراد، شیطان، جاسوس، نوکر پرچمی، کرزی، و هر قدرت مند است و در زمان حاکمیت جانوران وحشی (طالبان) این (خر فیلسوف) ویدیوی ثبت نمود و علناً با بیشمری کامل طالبان را دولت شرعی و اصولی و منطقی اعلان و مردم را دعوت به اطاعت ازین دولت نمود (**ویدئوی این خر فیلسوف موجود است**) حال این که "هاشمان" چنین خری است، "قیس کبیر" و "نبیل عزیزی" چه نوع جانوری می توانند باشند؟؟ من در نوشته های قبلی ام یاد آور شدم اگر کسی ازین جمبوری های "هاشمیان" منکر این ادعا هستند و می گویند که این ادعا واقعیت ندارد به شمول خود "هاشمیان" !!؟؟ لطفا بنویسند و نوشته خود را به آدرس پورتال (افغانستان آزاد – آزاد افغانستان) ارسال دارند و تعهد کنند که در صورت موجود بودن چنین ویدیویی که ثابت می کند "هاشمیان" مرتجع ، خاین و طالب بوده و به نفع طالب تبلیغ نموده است از همکاری و دنباله روی با "هاشمیان" صرف نظر خواهند نمود و منحیت یک شخص با وجدان با ضدیت با افکار طالبانی و هاشمینی مبارزات خود را ادامه خواهند داد کا پی وید یو از طریق پورتال آزادگان به آدرس شان مجانی ارسال خواهد شد در چند جمله کوتاه مشخصاً می خواهم طرفم شخصی به نام "قیس کبیر" یا "صغیر" همین مسؤول "جرمن آنلان" و نفر دومی هم "نبیل" جان ژینگولو باشد.

فقط قاطع و مشخص : "قیض جان- از نظر شما که بین حروف تفاوتی وجود ندارد لذا می توانم به جای "قیس"، "قیض" بنویسم ، این دیجیتل بازی ها و "هاشمیان" بازی ها نمی تواند در (**اقیانوس بزرگ**) نظر به اعتراف خود تان !! ترا به جایی برساند فقط دو سؤال را مردانه بدون حاشیه روی در مطبوعات جهانی جواب بده : طالب پرست و مرتجع هستی یا نه ؟؟؟؟؟؟؟ اگر هستی فقط بنویس بلی !! همین بس است، اگر نیستی؟ فقط کافی است. ساده بنویس روشنفکر انقلابی ، وطنپرست ، ضد استعمار ، استثمار ، ضد مفکوره های نوع پرچمی ، ضد اندیشه های نشنلستی فاشیستی، ضد مفکوره های آخوندی و طالبی هستی !!! همین و ساده.

من و ما برایت ثابت کردیم (**چنانچه تاحال ثابت شده**) و خواهیم کرد که "هاشمیان" (خر فیلسوف) خصیه مال "ملا عمر" رهبر طالبان بوده است و هیچ گاه امارت اسلامی او را رد نکرده و نمی کند، به علاوه آن تأیید نموده و تبلیغ مستند هم نموده است ! بعد از جواب های خودت نوشته هائی خواهم داشت تا ثابت کنم آنچه باید ثابت شود.

آقای "نبیل عزیزی" !! تو که به علاوه بیسوادی عمیق یعنی تا ... لوده تشریف داری نمک حرام هم هستی و قبلاً درین باره نوشته هائی هم وجود دارد و اگر سواد خواندن و یا قدرت حل و تفهیم موضوعات آن را نداری از دوستان با سوادت کمک بگیر و آنها را به خواندن نوشته های نویسندگان پورتال با عظمت (**افغانستان آزاد – آزاد افغانستان**) رهنمائی کن و همچنان می خواهم خطاب به نویسندگان و **همکاران قلمی پورتال "جرمن آنلان": شما که اگر بی آلاشانه و شریفانه و صادقانه در راه بشریت و آزادی انسان از قید انسان قلم می زنید این نوشته در ضدیت با شما نیست فقط متوجه آن کسانی است که در زیر پالان خر فیلسوف (هاشمیان) خود را سرش نموده و ازین پیر خرفت می خواهند یک (الاغ کبیر) بسازند ، حال خر هر چه باشد چه صغیر چه کبیر باز هم همان خر است.**

هر کسی ازین دنباله روان، کاسه ليسان، نا آگاهان، بیخبران که نا خود آگاه دنبال این پیر بی خرد رفته و فریب عرعر

های او را خورده اند اگر واقعاً شرف دارند و دل شان برای این وطن و مردم بی دفاع و محروم شان می تپد و واقعاً می خواهند علیه استبداد و تجاوز بیگانگان و استبداد و زور گویی داخلی مبارزه نمایند تقاضا می نمایم از همکاری و پشتیبانی (خر فیلسوف) دست بکشند، او یک طالب است، او پای بوس "ملا عمر" است، ویدیو دارد و شیرین زبانی در وصف "ملا عمر" نموده است، و شما عزیزان فریب خورده می توانید بعد از این که متوجه این نکته شدید توسط نوشته ای با تشریح تمام جوانب موضوع و ارسال آن به پورتال آزادگان (افغانستان آزاد - آزاد افغانستان) کاپی ویدیوی این شخص پلید و بی عرضه را به دست آورید.

اما تو شخص خر فیلسوف : اگر از گذشته ننگین خود پشیمان یعنی واقعاً پشیمان هستی و بی جهت و روی نادانی و یا هر علتی که بوده یک گوهی خوردی و در خدمت گذاری از "ملا عمر" این ویدیو را ثبت نموده و به هموطنان عزیز و بی خبر از همه جا در امریکا و کانادا هر ویدیو را به قیمت پنجاه دلار امریکائی به فروش رسانیدی تا ازین مدرک هم صاحب چند پولی شوی که شدی فقط بنویس پشیمان هستی و... مثل سابق فریبکاری کردی، شیطننت و ... حرامزادگی، ریا کاری و نرادی، مثل که آن چکچی بیچاره طفل نادان "نبیل جان عزیزی" نوشت (**من بد کنم تو بد مکافات دهی** - **پس فرق میان من و تو چیست بگو ؟**) شاید همین نوشته هم از تو پست باشد که به اسم این طفلک بی زبان نوشتی؟؟

در آن صورت من حاضر از تو دفاع کنم و دفاعیه مفصل خواهم نوشت و شما را تبرئه خواهم نمود، چون شما...؟
همچنان به آن دو خانم که بدبختانه و شرمسارانه لقب (استاد ادب دری) را از این شارلتان دیده در با آگاهی کامل با وجودی که من قبلاً غرض آگاهی شان نوشته بودم دریافت نموده اند باز هم یاد آوری می نمایم که هنوز هم دیر نشده است این لقب ننگین و سیاه را هر چه زودتر از خود دور و شخصیت ادبی و فرهنگی خود را پاک نگهدارید، من شخصاً خودم با دادن چنین لقب ها با هیچ شخصیت ادبی کشور چه زن و چه مرد که شایستگی آن مقام را داشته باشند در هر گوشه و کنار دنیا که باشند غرض احترام به مقام ادب، هنر و فرهنگ و شخصیت های برازنده ملی و فرهنگی مخالفتی ندارم، به شرط این که مرجع و مقام مسؤول عرضه کننده، خود آلوده به گناه نوکری استعمار، جاسوسی، پستی، تهمت، افتراء و بی شخصیتی نبوده و شایستگی اعطای این لقب را داشته باشند.